

# چهل سال بعد!

## انقلابی نوین، بر شانه های انقلابی شکست خورده

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

حکمتیست  
۲۴۴

۱۱ فوریه ۲۰۱۹ - ۲۲ بهمن ۱۳۹۷  
دوشنبه ها منتشر میشود

**اطلاعیه**  
**پایانی پلنوم**  
**۴۴ کمیته**  
**مرکزی حزب**  
**حکمتیست -**  
**خط رسمی**  
صفحه ۲

شکنتجه و نسل کشی های پی در پی، به شکست کشانده شد، متحقق کند.

زمین شخم خورده شورش گرسنگان، با کاشته شدن بذر اعتصابات کارگری از مراکز صنعتی چون هفت تپه و فولاد، تحت رهبری شبکه ای از کارگران رادیکال و آگاه به منافع خود، به فاز دیگری، به رویارویی طبقه کارگر صنعتی ایران با تمام حاکمیت، میرسد! شورش گرسنگان در دیماه به تحرک کارگر صنعتی با رهبری آگاه و سازمان یافته، شیفیت میکند. طبقه کارگر از مراکز صنعتی شیپور هدایت همه اعتراضات در جامعه، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، و ... را به صدا در میآورد و رنگ اهداف و مطالبات و شیوه کار و سازماندهی شورایی خود را به تمام جامعه میزند. ... ←

گرفتن حق خود به قدرت خودش، به میدان آمد و حاکمیت و نظام را لخت و عور در معرض و در تیررس محرومین قرار داد. این زلزله، از جنس اعتراضات قبلی دهه های گذشته، مانند مقاومت انقلابی در کردستان در دفاع از دستاوردهای انقلاب ۵۷ و یا اعتراضات در ۱۶ آذرها و اول مه های پرشور و اعتراضات مدام طبقه کارگر و زنان و دانشجویان و هجده تیرها و ... نبود! این زلزله، زمین حاصلخیز جنبش انقلابی در ایران را شخم زد و آماده کاشتن تخم یک انقلاب تمام عیار کرد. این زلزله اعلام قدرت محرومین جامعه ایران و آغاز انقلاب نوین دیگری است که هرچند برشانه های انقلاب ۵۷ ایستاده است، اما تماما، کیفیتا و ماهیتا انقلابی نوین! با آگاهی نوین! روشها و سازماندهی و رهبری نوین است که قدم به قدم پیشروی کرده است و توازن قوا را به نفع پایین و به نفع محرومین، تغییر داده است. دیماه سال گذشته، شروع تاریخ شکل گیری انقلابی نوین، برشانه های انقلاب شکست خورده ۵۷، است تا آرمانهای آزایخواهانه و برابری طلبانه آن انقلاب را که توسط ائتلاف ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع اسلامی به بهای صدها هزار اعدام و میلیونها دستگیر و

چهل سال از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که نه محصول انقلاب ۵۷ و قیام بهمن، که محصول توافق و سازش بورژوازی جهانی و ارتجاع داخلی برای دست بدست کردن قدرت از بالا، و نهایتا نتیجه سرکوب و شکست خونین آن انقلاب بود، میگذرد. جمهوری اسلامی ایران طی این چهل سال، حتی یک روز بدون بحران سیاسی، خطر سرنوشتی و فروپاشی و جنگ و کودتا و شورش محکومین، نزیسته است. حکومتی که حتی یک روز هم بدون تقابل با میلیونها میلیون شهروند، زنان و مردانی که حق خود از زندگی انسانی را کمتر از حق انسان دنیای معاصر نمی دانستند، سر نکرد! با این وجود، از هفتم دیماه سال گذشته و با آغاز زمین لرزه سیاسی در عمیق ترین سطح و لایه های جامعه ایران، که در دل آن و طی ده روز محروم ترین اقشار جامعه در قریب یکصد شهر و روستا برای گرفتن نان و آزادی به قدرت خودشان به میدان آمده بودند، جوانه های انقلابی جدید برای زیر رو کردن نظام سرباز کرد! از دیماه سال گذشته، که به "ده روزی که ایران را لرزاند" معروف شد، جنبش اعتراضی و میلیونی، در قد و قامت دیگری علیه تمامیت حاکمیت و برای

## رویای براندازی "هوشمندانه"

رضا پهلوی و چهلمین سالگرد انقلاب ۵۷  
خالد حاج محمدی

این روزها و به بهانه گذشت چهل سال از انقلاب ۵۷ ایران همه جریانات و احزاب و شخصیتها از راست تا چپ در مورد آن انقلاب به سخن آمده اند. هر کس بر اساس منافع جنبش خود له و علیه آن انقلاب سخن میگوید و تلاش میکند به بهانه آن اتفاق تاریخی امیال و آرزوهای امروز خود را به جامعه عرضه کند. در این میدان سه جنبش بطور برجسته و روشن قابل مشاهده هستند و بقیه با هر فاصله ای در حواشی این سه جنبش خودنمایی میکنند. این سه جریان یکی حاکمیت و روسای جمهوری اسلامی، دیگری راست پرو غرب ایران و سرانجام کمونیستها هستند. در این نوشته اساسا به پیام رضا پهلوی به مردم ایران به مناسبت گذشت چهل سال از انقلاب ۵۷ و رویای براندازی "هوشمندانه" وی خواهم پرداخت. اینجا نشان خواهم داد که رضا پهلوی و جنبش ملی اسلامی ایران و جمهوری اسلامی به عنوان هسته اصلی و متمرکز آن چگونه هر دو در یک صف علیه مردمی که به امید رفاه و آزادی به میدان آمدند و انقلاب ۵۷ را ممکن کردند ایستاده اند. پیام رضا پهلوی علیه انقلاب ۵۷ و تلاش برای معرفی کردن جمهوری اسلامی به نام نتیجه آن انقلاب و از این کانال حمله به مارکسیست ها که گویا در کنار جنبش اسلامی به عنوان "دو جریانی که انقلاب ۵۷ را ممکن کردند!!!" همراه با تحریکات ناسیونالیستی و کوبیدن بر طبل ایرانیت، .. صفحه ۳

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

## چهل سال بعد ...

از این پس فازهای تاریخ تحولات سیاسی در ایران، در عمق جامعه با تحركات کارگری سنجیده میشود. دستگیری، شکنجه، مهندسی مستند سازی، تلویزیونی از اعتراف گیری اجباری در حبس و شکنجه از رهبران و حامیان طبقه کارگری که در هفت تپه و فولاد، و .. سربلند کرده بود، نه تنها تأثیری در به سازش و تسلیم کشاندن محرومین و محکومین در ایران در مقابل دستگاه ارباب پلیسی ندارد، که بلافاصله به عکس خود تبدیل میشود. انقلاب و پیشروی های قدم به قدم آن، علی‌رغم تلاش های صف ملوونی از بورژوازی در حاکمیت و در اپوزیسیون برای مقابله با آن، چون شبحی برفراز جامعه در نوسان است. امروز و پس از چهل سال از انقلاب ۵۷، نگاهی به پشت سر و چرخاندن سر به سوی آینده، آینده ای که این انقلاب نوین آن را نوید میدهد، برای تثبیت پیشروی ها و مقابله با دشمنان هم در حاکمیت و هم در اپوزیسیون، میتواند راه گشا باشد.

## واقعیات انقلاب ۵۷ قیام بهمن

انقلاب ۵۷ برخلاف روایت طیفی از روشنفکران ملی - مذهبی تقابل مشروطه و مشروعه نبود، تقابل صف میلیونی مردم با یک حکومت مستند بود. مشروطه دهها سال قبل، به زیر عباى مشروعه خزیده بود و شکست اش را پذیرفته بود. سال ۵۷ مردم علیه استبداد سلطنتی با پلیس مخفی‌اش، با زندانهایش، با شکنجه گاه هایش بپاخواستند. در جامعه آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کارگری، آزادی فعالیت‌های سوسیالیستی وجود نداشت. آزادی هیچگونه فعالیت سیاسی وجود نداشت. یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس مخفی، حاکم بود با بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار

ثروت‌های انبوه. مردم علیه اینها و برای برابری، برای آزادی از چنگال اختناق سیاسی و استثمار اقتصادی، بپا خاستند. این به انقلاب ۵۷ معروف شد. بر متن ناتوانی رژیم شاه از سرکوب جنبش انقلابی و سراسری مردم، جنبش اسلامی، بعنوان یک جریان مرتجع، علیه مدنیت، علیه مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، به جلو صحنه کشانده میشود. ضدیت افراطی و ایدئولوژیکی این جریان در ضدیت با کمونیسم و سوسیالیسم، آنرا به بهترین کاندید برای مقابله با انقلاب تبدیل کرد. برای بورژوازی غرب که ایران بازار سرمایه و منطقه نظامی - سیاسی آن بود، جنبش اسلامی که از قدیم در انزوا و در حاشیه جامعه ایران زیست میکرد، برای جلوگیری از پیروزی انقلابی که میرفت نظام سرمایه را زبرورو کند، بعنوان آلترناتیو شاه، و تنها آلترناتیو بورژوا - امپریالیستی موجود روز، پذیرفته میشود. در این گره گاه است که جنبش اسلامی پر و بال گرفته و یکی از شخصیت‌های این جنبش، یعنی خمینی، را به پاریس میبرند و زیر نورافکن میگذارند. از این مقطع رسانه‌ها و دولت‌های غربی وسیعا جریان اسلامی را بعنوان آلترناتیوی که میتواند و باید جای حکومت شاه بنشیند تبلیغ میکنند، بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی منجمله نهضت آزادی، جبهه ملی و حزب توده و پان ایرانیستها، به جریان اسلامی اعلام وفاداری میکنند و به این ترتیب جریان اسلامی به صدر مبارزه علیه سلطنت رانده میشود. اعلام وفاداری ارتش به خمینی با پادرمیانی ژنرال هویز، نقطه پایانی این توافق و سناریو بود. اما مردم بر خلاف سناریوی امریکا و باقیمانده رژیم سلطنت و جنبش ملی - اسلامی و خمینی قیام میکنند. قیام ۲۲ بهمن، قیام مردم برای به زیر کشیدن رژیم سلطنت به دست خود، ارتش شاه را در یک رو در رویی نظامی شکست میدهد. قیامی که توسط جریان اسلامی و متحدین

وقت آن به سرعت کنترل و خفه میشود. ماحصل این روند پیدایش حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی. برخلاف تبلیغات طرفداران رژیم سلطنت، جمهوری اسلامی نه نتیجه انقلاب ۵۷، نه "انتخاب" مردم که نتیجه دخالت دول غربی و در راس آن امریکا، نتیجه آشتی ارتش و جریان اسلامی، نتیجه طرح امریکا برای دست بدست کردن قدرت از خاندان پهلوی به جریان اسلامی به رهبری خمینی، و بالاخره نتیجه سرکوب انقلاب ۵۷ توسط جمهوری اسلامی بود. انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتا نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد

## انقلابی جدید برای بسرانجام رساندن جدالی قدیمی

انقلاب جدیدی که از دیمه سال گذشته سوت آن به صدا درآمد، بی تردید بر شانه های انقلاب ۵۷ ایستاده است. انقلابیون جدید، رهبران رادیکال

سوسیالیست طبقه کارگر، جوانان، زنان و مردان ای که آینده ایران را در رویارویی با تفاله قدرت ضدانقلاب اسلامی شکل میدهند، باید و لازم است که نسبت به حقایق تاریخ انقلاب ۵۷، روشن باشند و آن را چراغ راه آینده کنند. اگر دیمه فقط زنگ خطری بود برای بورژوازی در قدرت بود، رادیکال، آگاه و متحد شدن این جنبش، حضور قدرتمند طبقه کارگر در اعتراضات و در صحنه سیاست در جامعه، خوردن مهر طبقه کارگر و سوسیالیسم کارگری بر اعتراضات پس از آن، بی تردید آژیر سراسری و پرسدایی را برای کل بورژوازی در حاکمیت و در اپوزیسیون به صدا در آورد. از این پس ... صفحه ۴

## اطلاعیه پایانی پلنوم ۴۴ کمیته مرکزی حزب حکمتیست - خط رسمی

چهل و چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) با شرکت اکثریت اعضا کمیته مرکزی در روزهای ۱ و ۲ فوریه در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد.

دستور جلسه پلنوم عبارت بود از

- گزارش کمیته رهبری
- اوضاع سیاسی و موقعیت حزب
- انتخابات

پلنوم ۴۴ با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان آزادی و سوسیالیسم شروع به کار کرد.

پلنوم پس از شنیدن گزارش کمیته رهبری در مورد عرصه های مختلف فعالیت سیاسی، تشکیلاتی حزب وارد بحث شد. اعضا کمیته مرکزی با دخالت فعال خود در این دستور، ضمن تائید پیشروی های قابل مشاهده حزب در عرصه های متفاوت، بر ضرورت پیشروی های بیشتر، سرعت، دخالت بیشتر در همه زمینه ها تاکید داشت.

پلنوم همچنین در مورد حساسیت اوضاع و ضرورت امنیت حزب و فعالین آن تاکید ویژه ای داشت و اقداماتی را در دستور کمیته رهبری آتی قرار داد.

اوضاع سیاسی و موقعیت حزب دستور بعدی

پلنوم بود که مورد بحث و تبادل نظر اعضا کمیته مرکزی قرار گرفت. اعضا کمیته مرکزی در رابطه با اوضاع پرتلاطم امروز، حضور قدرتمند طبقه کارگر آگاه در جامعه، بن بست مطلق جمهوری اسلامی و صعبندی نیروها و احزاب سیاسی، روندهای موجود بطور مفصل بحث کرده و با اتفاق نظر در مورد شرایط منحصرا بفرده جامعه و خوردن مهر طبقه کارگر و رادیکالیسم آن بر اعتراضات و فضای سیاسی به موقعیت ویژه حزب، امکانات و موانع ایفای نقش حزب بعنوان رهبر و حزب این طبقه پرداخت.

در بخش انتخابات ابتدا آذر مدرسی بعنوان دبیر کمیته مرکزی در پست خود ابقاء شد. رفقا امان کفا، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی، فواد عبدالهی، مظفر محمدی و محمد فتحاحی بعنوان کمیته رهبری در پست خود ابقاء شدند. پلنوم با سخنرانی اختتامیه آذر مدرسی به پایان رسید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

(خط رسمی)

۶ فوریه ۲۰۱۹

۱۷ بهمن ۱۳۹۷

## روایای براندازی ...

فرهنگ "والای ایرانی" و تقدس آن، و بلند کردن اهمیت "نیروی ملی" برای براندازی "هوشمندانه" جمهوری اسلامی، هیچکدام امر جدید و دور از انتظاری نیست. آنچه در این پیام و جست و خیزهای این دوره رضا پهلوی برجسته است، نگرانی عمیق و قابل فهم او از سرنگونی جمهوری اسلامی از کانال یک انقلاب توده ای است. مسلم اینکه از جریانی که توسط مردم ایران در دل یک انقلاب توده ای به حاکمیتش پایان داده اند، جریانی که رضا پهلوی را به عنوان وارث تاج و تخت حکومت سرنگون شده پدری، به میدان آمده، نمیتوان توقع دفاع از آن انقلاب و بیان حقایق آن تاریخ داشت. تاریخ انقلاب ۵۷ از زبان رضا پهلوی به همان اندازه از حقیقت نزدیک است که از زبان روسای جمهوری اسلامی. آنچه در پیام رضا پهلوی و کل تلاش اخیر او نهفته است، ترس از تکرار یک انقلاب توده ای دیگر و بی کلاه ماندن سر جنبش راست پرو غرب در فردای سرنگونی جمهوری است. کل تلاش این مدت رضا پهلوی و همراهان او، درخواست کمک از دول غربی و بحث انتخابات آزاد و رفراندوم... بحث براندازی "هوشمندانه" در پیام اخیر او، همراه با تلاش مزبوحانه و ریاکاری تمام او در معرفی جمهوری اسلامی به عنوان نتیجه انقلاب ۵۷، همگی بیان ترس جنبش راست پرو غرب از بیداری محکومین و خطر انقلاب آنها علیه حاکمیت است. ارتجاع اسلامی و طرفداران رژیم پهلوی و شخص رضا پهلوی، جمهوری اسلامی را نتیجه انقلاب ۵۷ میدانند و آن انقلاب را اسلامی معرفی میکنند. دلیل این همسویی روشن است. اولی با این کار چهل سال است تلاش

میکند، برای جمهوری اسلامی مشروعیت بخرد و دومی با علم به نفرت اکثریت بالای از مردم ایران از جمهوری اسلامی و ترس و نگرانی از سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی از کانال انقلاب طبقه کارگر و صف محرومین، تلاش میکند نفس انقلاب محکومین علیه حاکمین را از چشم جامعه ببندد. انقلاب یعنی "جمهوری اسلامی"، یعنی "خشونت"، یعنی "جنگ و خونریزی"، یعنی "نکبت و فقر و استبداد" و... همه واژه های ضد انقلابیون بورژوا در جمهوری اسلامی، در صف اپوزیسیون راست او و در صف همه جریاناتی است که از انقلاب پایین، انقلاب کارگران، انقلاب استثمار شدگان علیه اقلیتی مفت خور و سرمایه دار میترسند. آقای پهلوی میدانند که مردم ایران علیه استبداد حاکم در دوره پادشاهی خاندان او، علیه فقر و محرومیت، در دفاع از آزادی و حق زندگی انسانی برای اکثریتی بزرگ از مردم ایران و در دفاع از حرمت و کرامت انسانی که زیر چکمه های استبداد شاهنشاهی له شده بود، به میدان آمدند و به عمر رژیم پهلوی خاتمه دادند. ایشان میدانند این حقایق و ترس از قدرتگیری پایین در دل انقلاب ۵۷، کل ارتجاع از حاکمین تا جریان اسلامی در اپوزیسیون و دول امپریالیستی را به فکر انداخت تا انقلاب ۵۷ را سرکوب کنند. انتخاب ارتجاع اسلامی قبل از همه چیز، نتیجه توافق بخشی از حاکمیت در دوره پهلوی و روسای آنها با غرب و مشخصا آمریکا و نمایندگان جریان اسلامی بود. این اتفاق زمانی افتاد که غرب و بخشی از بورژوازی ایران به این نتیجه رسیده بود که رژیم پهلوی در مقابل مردم معترض تاب مقاومت ندارد و ادامه آن اوضاع و فضای حاکم بر تحرکات کارگری و توده

ای و عمیق شدن خواست و مطالبات مردم علیه استثمار و استبداد، دخالت و حضور کمونیستها و سیمای عدالتخواهانه اعتراضات مردم ایران، ممکن است شانس یک انقلاب چپ را بالا ببرد و کل حاکمیت بورژوازی ایران به خطر افتد. رفتن غرب پشت خمینی و ارتجاع اسلامی، از آن جهت بود که این ارتجاع را به عنوان ضد کمونیستی ترین جریان تاریخ بهترین گزینه علیه خطر کمونیسم میدانستند. رضا پهلوی میدانند که بعد از این توافق و تلاش برای دست بدست کردن قدرت از بالا و انتخاب جریان اسلامی از جانب غرب علیه فضای چپ جامعه ایران، خمینی از همه رسانه های بزرگ جهان در خود غرب به عنوان "رهبر انقلاب ایران" سر برآورد. از قیام ۵۷ تا خرداد ۶۰ فضای جامعه ایران میدان جدال انقلابیون آن دوره، طبقه کارگر و در راس آن کارگران نفت، زنان، اقشار مختلف مردم، مردم کردستان و.. برای دفاع از دستاوردهای خود در آن انقلاب، علیه ارتجاع اسلامی بود که تلاش کرد با حفظ نیروی سرکوب رژیم پهلوی و ساواک و کل ماشین دولتی، پایان انقلاب را اعلام و مردم را به خانه ها بفرستد. خرداد ۶۰ مقطعی است که با کشتار وسیع و جنایات همه جانبه، میخ جمهوری اسلامی کوبیده شد و شکست انقلاب ۵۷ مسجل شد. رضا پهلوی از انقلاب ۵۷ درس گرفته است. این حقیقت است که امروز وی را به جست و خیز علیه انقلاب انداخته است. تلاش او و صف وسیعی از اپوزیسیون بورژوازی تا بخشی از مهرهای حاکمیت که خطر سرنگونی را با همه وجود حس میکنند و در فکر راهی برای نجات نفس حاکمیت بورژوازی ایران اند، همه در

تلاشند قدرت از بالا و بدون دخالت مردم ایران و خصوصا طبقه کارگر دست بدست شود؛ چیزی که رضا پهلوی آنرا "براندازی هوشمندانه" نام گذاشته است. براندازی "هوشمندانه" رضا پهلوی و اعلام اینکه جمهوری اسلامی نتیجه انقلاب ۵۷ بود، دو روی یک سکه اند. این ماجرا زمانی برجسته شده است و راست پرو غرب را نگران کرده است که تحولات این دوره مهر یک عدالتخواهی کارگری و سوسیالیستی را خورده است. این ماجرا بیش از هر چیز "شاهزاده" را با کابوس روزانه مواجه کرده است. ایشان و خیل وسیع از احزاب و گروهها و شخصیتهای راست از ناسیونالیست ایرانی تا فرقه های قومی و مذهبی در اپوزیسیون را به فکر راهی علیه مردمی انداخته است که از دیمه بانگ عدالتخواهی خود و حق طلبی پایین را به همه جا رسانده است. رضا پهلوی و بسیاری از جریانات راست، دوره ای تلاش کردند موج اعتراضات دیمه را در جهتی سوق دهند که بتوانند آنرا در خدمت اهداف خود کنترل کنند. اما اعتراضات کارگری اخیر، به اهتزاز درآمدن پرچم عدالتخواهی طبقه کارگر ایران علیه سرمایه داری، علیه برگی اکثریت و حاکمیت مثنی انگل پولدار از اسلامی تا "سکولار" و... امثال رضا پهلوی و همراهان او را بیش از پیش نگران کرده است. پیامهای اولیه ایشان به مردم ایران و کارگر پنهانی ریاکارانه رضا پهلوی در دل اتفاقات دیمه، امروز و با تحولات اخیر و میداندار شدن کارگران و رهبران صالح و هوشیار آنها، چرت آقای پهلوی را هم پاره کرده است. ایشان ماسک "دمکرات و آزادیخواهی" خود را کنار گذاشته و در قامت یک راست افراطی و یک

ناسیونالیست تا مغز استخوان عقب ماند، با علم کردن "افتخارات" و عرق "ملی" علیه انقلاب و انقلابیگری پایین به میدان آمده است. آقای پهلوی باید بدانند، طبقه کارگر ایران و ما کمونیستها همراه مردم آزادیخواه این جامعه نیز از تجربه انقلاب ۵۷ درسها آموخته ایم. ما آن نیروی واقعی هستیم که انقلاب ۵۷ را ممکن کردیم. مردم ایران توسط ارتجاع اسلامی عقب رانده شدند و انقلاب ۵۷ را به کمک همه دستگاه سرکوب به ارث رفته از خاندان پهلوی، در دل یک کشتار خونین، شکست دادند. در فردای آن ماجرا بیشترین قربانیان از صف کمونیستها بود. اما امروز ما و نسل بعدی انقلابیون ۵۷ میدانند و همه جا پرچم یک آزادیخواهی سوسیالیستی و یک عدالتخواهی کارگری را بلند کرده اند. اگر انقلاب ۵۷ یک درس بزرگ برای ما داشته است، ضرورت اتحاد طبقه کارگر حول یک افق رهایی بخش سوسیالیستی برای نجات کل بشریت در جامعه است. در چنین شرایطی افق رضا پهلوی ها برای دست بدست کردن قدرت از بالا، تنها در شرایط یک جنگ داخلی، دخالت دول مرتجع امپریالیستی و عوامل آنها و خون پاشیدن به جامعه و سرکوب خونین ما ممکن است. ما تلاش میکنیم با همه توان و با اتحاد صف وسیع و میلیونی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران، با فراهم کردن امکان دخالت همه جانبه استثمار شدگان در سرنوشت جامعه، با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، جامعه را از همه تند پیچهای این دوره عبور دهیم و زندگی برابر و مرفه را با دستن خود تامین کنیم.

مرکب بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

**نشریه حکمت**

**حزب حکمتیست (خط رسمی)**

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سر دبیر: فواد عبداللهی

[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

تلگرام حزب

[@HekmatistKhateRasmi](https://t.me/HekmatistKhateRasmi)

**تماس با حزب**

دبیرخانه حزب

[hekmatistparty@gmail.com](mailto:hekmatistparty@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

[aman.kafa@gmail.com](mailto:aman.kafa@gmail.com)

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

[mozafar.mohamadi@gmail.com](mailto:mozafar.mohamadi@gmail.com)

**حکمتیست را توزیع و پخش کنید!**

جدیدی از انقلابات سوسیالیستی در جهان باشد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۲۱ بهمن ۱۳۹۷ - ۱۰ فوریه ۲۰۱۹

سال پروپاگاندا گوش خراش و کرکننده خود، هرگز قادر نشد، شکست اقتصاد دولتی در شوری و شکست کمپ شوروی را بعنوان پایان تاریخ مبارزه طبقاتی و شکست سوسیالیسم به باور جامعه تبدیل کند. انقلاب آینده ایران میتواند آغاز دور

جامعه امن، آزاد و برابر، یک جامعه سوسیالیستی را بر ویرانه های رژیم سرنگون شده سلطنتی بنا نهد، شکست خورد! اما به شهادت تمام رویدادهای "پسا خیزش دیمه" و "پساهفت تپه و فولاد"، چهل سال بعد جامعه انقلاب خیز ایران، تمام تلخی ها، زخم ها، مصائب، فجایع عظیم و تاریخی خود را سرمایه آبیاری جوانه های آگاهی طبقاتی، استقلال طبقاتی، و قدرت طبقه کارگر، در انقلاب جدید خود کرده است. جامعه ایران با تجربه خود، نه تنها آموخت که این تنها طبقه کارگر است که با رهایی خود میتواند جامعه و همه شهروندان را رها کند، که عملا حول پیشروان این طبقه، حلقه زده است. این برجسته ترین تفاوت انقلاب نوین، با انقلاب ۵۷ است. تفاوتی که مقابله دشمنان را با آن، در مقایسه با انقلاب ۵۷، بسیار بسیار دشوار تر میکند. برای بورژوازی اما، از هر نوع، اسلامی و عمامه دار یا پرو غرب و فوکول کراواتی، ملی یا مذهبی، خواهان سلطنت یا جمهوری، بیش از پیش سناریو همچنان سرکوب یا خفه کردن این انقلاب به هر وسیله ای است. از کودتای داخلی تا تمرین انواع "گودالوپ های دوم" یا هر نوع دخالت قدرتهای ارتجاعی جهانی و منطقه ای، همه سناریوهای موجود برای نجات نظام

چهل سال بعد ...

عوامفریبی ها و توهم پراکنی های اپوزیسیون راست پروغرب در مورد آزادیخواهی و برابر طلبی و اتحاد و همبستگی ملی، جاییش را به ترس و "ترساندن" از انقلاب و تلاش فوری برای آلترناتیوسازی از بالا، به امید تکرار تجربه شکست انقلاب ۵۷، میدهد. منافع طبقاتی با شفافیت بیشتری بیان میشود. شفافیت در بیان منافع طبقاتی را طبقه کارگر صنعتی ایران در حرکات اعتراضی و با بیان روشن و شفاف منافع و جایگاه اش در جامعه، به بورژوازی در حاکمیت و در اپوزیسیون تحمیل کرده است. بر این بستر است که تلاش برای سرکوب و یا خفه کردن این اعتراضات، و بازگرداندن توازن قوا طبقاتی به نقطه پیش از خیزش دیمه، نقطه اشتراک هر دو بخش بورژوازی است.

انقلاب آتی برای طبقه کارگر و مردم محروم در ایران، ادامه تلاش برای تحقق آرمانهای انقلاب شکست خورده او در سال ۵۷، برای دستیابی به آزادی، برابری، رفاه و امنیت است. انقلاب جدید مردم در ایران، برای به سرانجام رساندن آن جدال قدیمی است که چهل سال قبل به آن دست زد. آن جدال، که چهل سال قبل میرفت و میتوانست یک